

گروه اندیشه؛ بزرگ نادرزاد مترجم آثار فلسفی پنجشنبه گذشته پس از یک دوره بیماری در بیمارستان گاندی تهران

گروه اندیشه؛ بزرگ نادرزاد مترجم آثار فلسفی پنجشنبه گذشته پس از یک دوره بیماری در بیمارستان گاندی تهران در سن ۸۲ سالگی درگذشت. نادرزاد مترجمی گزیده‌کار، برخوردار از ثنری مستحکم و عزت‌طلب بود. آثار او عمدتا در حوزه فلسفهٔ سیاسی و در تبیین اندیشه لیبرال است و در یکی، دو سال گذشته مشغول ترجمه «دموکراسی در آمریکا» اثر الکسی دوتوکویل بود – متن تأثیرگذار لیبرالیسم سیاسی. نادرزاد در سال ۱۳۱۴ در محله سریل امیریهادر تهران به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی خود را در مدرسه فرانسوی‌ها (زاری) آغاز کرد و تحصیلات عالیهِ خود را در فرانسه و سوئیس ادامه داد. سال ۱۳۳۲، به‌رغم علاقه فراوان به زبان‌شناسی، برای تحصیل در رشته پزشکی به فرانسه رفت اما خیلی زود آن را رها کرد. او در یکی از معدود مصاحبه‌هایش که سال گذشته با مجله «اندیشه پویا» (شماره ۳۷) انجام داد در این‌باره چنین می‌گوید: «بدم مخالف تحصیل در زبان‌شناسی بود. می‌خواستم من طبیب شوم. او از اولین فارغ‌التحصیلان مدرسه داروسازی قدیم بود. سرانجام مجبور شدم به خواست پدر لیبیک بگویم و در دانشگاه طب پاریس ثبت‌نام کردم. صبح یکی از روزها به کلاس تشریح رفتم. اولین جلسه این درس بود. در سالیانی عظیم میزها منظم کنار هم چیده شده بودند. روی یکی از میزها کتبی‌های بود حاوی قشری از موم. حیوانات کوچک مرده‌ای را به موم چسباندۀ بودند و به دست و پاهاشان سوزن‌هایی فرو شده بود. دانشجو باید شکم و سر و سیستم عصبی آن جانوران را می‌شکافت و

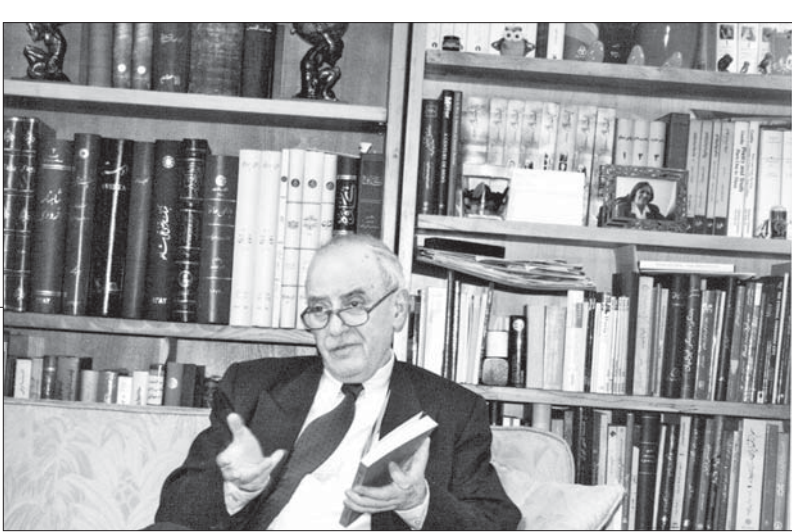
سهند ستاری؛ دولت‌فرانسه در سال ۱۸۳۱ الکسی دو توکویل و گوستاو دو بیومون را به آمریکا فرستاد تا درباره نظام زندان آمریکا مطالعه و تحقیق کنند. توکویل بعدها می‌نویسد که آنها از این مأموریت استفاده کردند تا جامعه آمریکا را بشناسند. سفر آنها از نیویورک شروع شد و ماه ۹ به طول انجامید. در این مدت نظام زندان‌ها در مطالعه کردند و اطلاعاتی از جامعه آمریکا و ویژگی‌های مذهبی، سیاسی و اقتصادی‌اش در قرن نوزدهم به دست آوردند. همچنین در این سفر از کانادا نیز دیدن کردند. توکویل پس از بازگشت به فرانسه بین سال‌های ۱۸۳۵ تا ۱۸۴۰ دو جلد کتاب درباره آمریکا می‌نویسد: «دموکراسی در آمریکا». الکسی دو توکویل در مقام متفکری لیبرال مخالف سرسخت زانگی‌ها بود، نمایندهٔ از نژاد سفید دفاع کرد، بر جداسازی سفیدپوستان از سیاه‌پوستان تأکید داشت، با سرکوب بومیان قاره آمریکا – خاصه در دره می‌سی‌سی‌پی – ممدل و هم‌رای بود، به کشتار سرخ‌پوستان مشروعیت می‌بخشید و سکونت آنها را در «منطقه پربرکت جهان» موقتی می‌دانست. با رجوع به واقعیت‌های تاریخی در کنار مطالعه لیبرالیسم فلسفی، عمدهٔ آرای توکویل می‌تواند برای افسانه طلایی لیبرالیسم دردآور باشد. او در «دموکراسی در آمریکا» می‌نویسد: «ظاهرا مشیت الهی سکنی‌دادن سرخ‌پوستان در ناحیه غنی و ثروتمندِ بَر جدید، فقط برای استفاده کوتاه‌مدت بوده است. آنها موقتی اینجا بوده‌اند. سواحل آماده‌ای برای تجارت و صنعت، با رودخانه‌های عمیق، این دره فائادپذیر می‌سی‌سی‌پی، این قاره سفیدها چون گهواره‌ای خالی برای ملتی بزرگ به‌وجود آمده است.» (Losurdo: 23۱)
با این‌حال، توکویل برخلاف جان لاک، فیلسوف بزرگ و پدر لیبرالیسم، نه در تنظیم نظام قانونی ایالتی (در مورد لاک ایالت کارولینای آمریکا) نقش داشت که برده‌داری در آن کاملا تعبیه و تأیید شود، نه همچون او سهام‌دار اصلی یکی از بزرگ‌ترین کمپانی‌های تجارت برده بود. (ibid: 3) توکویل ضمن مخالفت با «برده‌داری رسمی»، موافق لغای آن بود ولی موضع عجیبی در برابر بومیان داشت. او در سفرش به آمریکا، زندگی اسف‌بار بردگان سیاه را دیده و چنانکه اشاره شد درباره انقراض نسل سرخ‌پوستان نوشته بود، اما هرگز از قیام بردگان دفاع نکرد. طرف صحبت او همیشه سفیدها بودند و بردگان و سیاهان در نظر او مخاطبان معتبری به حساب نمی‌آمدند. در تعریف او از دموکراسی در آمریکا، سرنوشت استعمارشکان جایی نداشت، با این حال، او ایالات متحده را بزرگ‌ترین دموکراسی جهان می‌دانست. (ibid) بسیاری کتاب‌حاضر را یکی از تحلیل‌های مهم درباره نظام سیاسی و فرهنگی آمریکا می‌دانند. شارلحان آرای توکویل بر این باورند که او با این کتاب تصویر دیرین اروپا را از دولت و سیطره اندیشه‌های هائز و بُدنِ بر هم زد. او تصویری از دولت برای خواننده فرانسوی ترسیم کرد که نه دیده و اندیشیده بود؛ گونهای دولت غیرمتمرکز. (سیدنتاپ: ۷۰) همچنین از امکان تحقق دغدغه‌اش برای برهم‌زدن اشراف‌سالاری و برقراری برابری گفت. «به کمک او، برابرسازی شرایط اجتماعی نیازمند اندیشه‌ای نو در باب دولت بود، چراکه اندیشه فعلی دستاورد کشمکش‌های طبقاتی گذار از اشراف‌سالاری به دموکراسی است» (همان) و از این‌رو، کوشید نشان دهد تصور غالب در اروپا با جامعه دموکراتیک نوپای اروپایی ناسازگار است. توکویل در آغاز «دموکراسی در آمریکا» می‌نویسد: «برای جهانی

کاملا نو، دانش سیاسی تازه‌ای ضروری است». در نظر او جامعه آمریکا مدل مناسبی برای اروپا بود چون «از آغاز دموکراتیک بود و تعارض اصول اشرافی و دموکراتیک، نهادهای آن را آشفته نکرده بود.» (همان: ۷۷) او با انقلاب مشکل داشت ولی نمی‌توانست از دستاورد‌هایش چشم‌پوشد و به همین دلیل به جامعه آمریکا دست بازید: «نهادهای سیاسی آمریکا توان آموزشی دارند زیرا آن کشور از نتایج انقلاب دموکراتیکی که در جوامع ما در حال تحقق است بهره‌مند است، بی‌آنکه گرفتار انقلاب شده باشد (مجموعه آثار، یکم/الف، ۱۱)». (همان) با این حال، او دغدغه اروپایی‌ها را داشت و کوشید از طریق شناخت آمریکا فکری به حال جامعه نوپای اروپا و نژاد اروپایی کند. توکویل می‌نویسد: «نژاد اروپایی، با یا ج و چه خوش یا با الطاف آسمانی، چنان برتری بی چون و چرای بر دیگر

بزرگ نادرزاد (۱۳۹۶–۱۳۱۴):مروری برزندگی و آثار

لیبرالیسم سیاسی به‌همراه اندیشه ناسیونالیستی

تشریح می‌کرد. از دیدن آن صحنه حالم بد شد. از کلاس بیرون زدم. دیگر سر کلاس‌ها کمتر حاضر می‌شدم. بعد از مدتی وقت تلف‌کردن، با میانجی‌گری مادرم، پدر فهمید که آدم نباید دنبال چیزی برود که به آن علاقه‌مند نیست». او پس از این عازم سوئیس می‌شود و در ژنو مطالعات شرقی می‌خواند. بعد از لیسانس به ایران بر می‌گردد و به استخدام سازمان جلب سیاحان (میراث فرهنگی و گردشگری) درمی‌آید. سپس از سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۵۵ رایزن فرهنگی ایران در فرانسه می‌شود و همزمان به ادامه تحصیل در رشته فلسفه می‌پردازد. تعلق فکری او، در تقابل بر چپ‌گرایی حاکم بر زمانه، او را به سمت کلاس‌های رمون آرون می‌کشد: «از تفکرات چپی متفر بودم. مگر می‌شود ناسیونالیست بود و مثلا به حزب توده که در فرمان شوروی بود علاقه داشت؟» او از همان دوران دبیرستان به عضویت سازمان پان‌ایرانیست ایران درآمد و علائق ناسیونالیستی بعد از آن نیز همواره در او قوی بود.



گزارشی از کتاب «دموکراسی در آمریکا» به بهانه درگذشت مترجم کتاب

واقعیت تاریخی لیبرالیسم

نژادها در خانواده بزرگ بشری کسب کرده که آدمی را که ما اروپایی‌ها، به حکم خبث و جهلش، در پایین‌ترین رتبه جامعه به شمار آریم باز هم در میان وحشی‌ها از نخستین مرتبه برخوردار است.» (Losurdo: 228)
گزارشی از کتاب
مجلد اول کتاب در سال ۱۸۴۵ و مجلد دوم در سال ۱۸۴۰ منتشر شد. اگر کانون توجه مجلد نخست در وهله اول سیاسی باشد، مجلد دوم چنین نیست، «اگرچه توکویل در بخش نهایی به مضمون‌های قبلی باز می‌گردد.» (سیدنتاپ: ۱۰۷) توکویل در مجلد اول به شناخت نهادهای سیاسی، اجتماعی و مدنی آمریکا می‌پردازد و در مجلد دوم پدیده مدرنیته و دموکراسی، پیامدها و امکان‌های آنها را بررسی می‌کند. او در بیشتر صفحات کتاب مشغول بررسی «نفوذ دو جامعه یعنی جامعه اشرافی و جامعه دموکراتیک بر اندیشه، حسیات، و عادات و آداب – یعنی خلایق – است.» (همان) مجلد اول را مرحوم رحمت‌الله مقدم‌مراغه‌ای با عنوان «تحلیل دموکراسی در آمریکا» در سال ۱۳۴۶–۱۳۴۷ ترجمه کرد.

کمتر از نیمی از مجلد دوم را نیز مرحوم بزرگ نادرزاد در قالب دو دفتر به ترتیب سال ۱۳۹۴ و امسال به همت نشر فرهنگ جاوید ترجمه و منتشر کرد. مفهوم محوری دفتر اول «برابری» است که توکویل آن را نتیجه دموکراسی و تشکیل جوامع دموکراتیک می‌داند و مفهوم محوری دفتر دوم «هنر» است. اصل جلد دوم کتاب ۷۵ گفتار دارد که ۱۰ گفتار آن در دفتر اول و ۱۱ گفتار بعدی در دفتر دوم به فارسی ترجمه شده‌اند.

توکویل در مجلد دوم می‌کوشد ضمن بررسی جامعه آمریکا خصوصیات جامعه دموکراتیک آرمانی‌اش را نیز توصیف و درباره آن نظریه‌پردازی کند. توکویل در «دموکراسی در آمریکا» قانون‌گذاری و شیوه زندگی در ایالات متحده آمریکا را بررسی و آنها را با موقعیت کشورهای اروپای کهن، خاصه فرانسه از انقلاب کبیر به مقایسه و مقابله می‌کند. در نظر او، مساوات که در حیات اجتماعی و سیاسی کشور تازه‌تأسیس عامل مهمی است پایه قانون اساسی و به‌ویژه مبنای شیوه حیات سیاسی و مذهبی آن قرار می‌گیرد. مبارزه با ریشه‌های فکری و فرهنگی جماعت‌های خشن و سخت‌گیر مذهبی و تبعیض، مبارزه با ماجراجویان، مذاکرات صلحی که انجام شد، و پیام‌های صلحی که برای صلاح و اصلاح جامعه‌ای نو بسته شد و شورش در برابر اشکال آزاردهنده حکومت و قدرت، همگی در شکل‌گیری و رشد ملت آمریکا نقش داشته است. توکویل در کتاب حاضر خصوصیات ساختی یک جامعه دموکراتیک را تحیل می‌کند که معطوف است به زودن تدریجی تمایزات طبقاتی و اشرافی. او در دفتر اول مجلد دوم (بنا به طبقه‌بندی ترجمه فارسی) نشان می‌دهد که: «چگونه مساوات در وضع آدم‌ها سبب می‌شود که نسبت به امور فوق طبیعی نوعی دیواربوری غریزی پیدا کنند و نیز یک تصور بالابند و اغلب بسیار افراطی از امکانات عقل انسانی برای خود بسازند […] آدمیان به این جهت که برابر و شبیه یکدیگرند

اندیشه

گروه اندیشه؛ بزرگ نادرزاد مترجم آثار فلسفی پنجشنبه گذشته پس از یک دوره بیماری در بیمارستان گاندی تهران

او ارجاع می‌داد. علاقه‌ام از اینجا به او آغاز شد.» یکی دیگر از کتاب‌های او «قدرت سیاسی» اثر ژان ویلیام لاپیر (فرزان روز) درباره ماهیت قدرت و مضامین اصلی فلسفه او اولین‌بار توسط انتشارات دهخدا چاپ شد و بعدها نشر چشمه آن را تجدید چاپ کرد.
نادرزاد با نشر چشمه نیز دو کتاب منتشر کرد. یکی مجموعه مقالاتی به نام «در باب دموکراسی، تربیت، اخلاق و سیاست» از نویسندگان مختلف. دیگری «تامل در مبانی دموکراسی» اثر آلسن دو بنوا که باز هم ردپای تمایلات ناسیونالیستی او در آن پیداست: «آلن دو بنوا یک روشنفکر ناسیونالیست بود. علاقه‌ام به خاطر همین وجه از اندیشه‌اش بود. من او را یک‌بار در پاریس دیدم. تامل در مبانی دموکراسی را وقتی ترجمه کردم و کتاب منتشر شد، نسخه‌ای را هم برای خودش فرستادم. جواب پرمهری داد. باورش نمی‌شد کتابی از او در ایران ترجمه شده است.»

فیلسوف مورد علاقه او که در دوره‌های مختلف درباره‌اش ترجمه کرد الکسی دو توکویل بود. در سال ۱۳۷۱، شرحی بر آرا و زندگی سیاسی او ترجمه کرد از ژاک کن موتر با عنوان «الکسی دوتوکویل» (نشر مرکز). این علاقه در مجموعه مقالات «در باب دموکراسی، تربیت، اخلاقی و سیاست» نیز مشهود است. او مقاله‌ای از رمون آرون را در این کتاب می‌گنجاند با عنوان «الکسی دو توکویل و کارل مارکس». در سال‌های اخیر نیز او مشغول ترجمه جلد دوم کتاب «دموکراسی در آمریکا» بود که تا پیش از مرگ او کمتر از نیمی از آن در قالب دو دفتر منتشر شد.

او این‌وضع را مقدمه ظهور وضع اجتماعی و نهادهای دموکراتیک می‌داند و تأکید دارد نتیجه آن الزاما کاهش تعداد آدم‌های فریخته و علاقه‌مند به هنرهای زیبا نیست. او در این خصوص خاطره‌ای از اولین روز ورودش به نیویورک نقل می‌کند: «وقتی اولین‌بار به نیویورک آمدم، متعجب شدم از اینکه در طول ساحل تعدادی قصرهای کوچک از جنس سنگ مرمر می‌بینم که به سبک معماری قدیم یونان و روم بود. اما روز بعد که به نزدیکی یکی از کاخ‌ها رفتم به این جهت که نگاه مرا سخت به خود جلب کرده بودند، متوجه شدم که دیوارهای آن از جنس آجر سفیدشده و ستون‌های چوبین رنگ‌شده است.» (همان: ۲۰) در نظر توکویل ملل‌ل دموکرات به دنبال هنرهایی می‌روند که زندگی‌شان را آسان‌تر کند. زیرا، به‌باعتی دیگر آنها مفید را به زیبا ترجیح می‌دهند و درعین‌حال مایل‌اند چیز زیبا مفید هم باشد.

مجلد دوم کتاب نشان می‌دهد «لیبرالیسم توکویل تا چه حد متمایز و اختصاصی شده بود.» (سیدنتاپ: ۱۴) توکویل در جست‌وجوی حکومتی بود که «براساس دعای نوع‌دوستی مسیحی و راهی میان فضیلت مدنی و آزادی فردی، میان بازار آزاد و رفاه ملی» باشد. (همان: ۱۴۲) با این‌حال، می‌توان زیرکی اندیشه توکویل اشراف‌زاده را در تشخیص سیستم‌هایی دانست که پایه قدرت‌شان را بر نارضایتی طبقاتی بنیان گذاشته بود.» (همان)

واقعیت تاریخی به‌اندیشه فلسفی شکل می‌دهد
اگرچه لیبرالیسم به‌عنوان یک سنت فکری ارزش‌ها و آرمان خود را آزادی، برابری و استقلال فردی می‌داند و با نام‌هایی چون جان لاک، الکسی دو توکویل، آدام اسمیت، مونتسکیو و دیگران شناخته می‌شود، همواره سایه تاریخ اجتماعی‌اش بر گذشته، حال و آینده آن سنگینی کرده است. اگر با عقل سرد واقعیت‌های تاریخی را در کنار لیبرالیسم فلسفی بخوانیم، مثلا در مورد شخصیت توکویل بی می‌بریم که اگرچه او در پی برابری و براندازی اشراف‌سالاری است ولی برای یک نژاد و گروه خاصی از مردم و بنابراین تأکیدش بر برتری نژادی اروپاییان نمی‌تواند صرفا مقوله‌ای سیاسی باشد، بلکه پیامد مستقیم شرایط اقتصادی و اجتماعی است. لیبرالیسم چه به‌عنوان نظامی سیاسی، چه در مقام آیدنولوژی و چه بسان سنتی فکری زاییده شرایطی تاریخی است که اگر تاریخ رسمی حدود آغاز آن را انقلاب صنعتی انگلستان و انقلاب سیاسی فرانسه و آمریکا معرفی می‌کند، اما اوج شکوفایی و گسترش این جریان هم‌زمان بود با رواج برده‌داری و مشارکت فعال پدران لیبرالیسم فلسفی در این پدیده؛ برای مثال جامعه دموکراتیک و آرمانی آمریکای توکویل در قرن هجدهم در حدود ۳۳۰ هزار برده داشت که در قرن نوزدهم به حدود شش میلیون نفر رسید. با انگلستان در اواسط قرن هجدهم ۹۰۰ هزار برده داشت و با بدترین نوع برده‌داری (برده‌داری نژادی) سرآمد بازار خریدوفروش آزادی فرد بود. روش است خریدوفروش فرد و عدم آزادی او با آرمان‌ها و ارزش‌های لیبرالیسم هم‌خوانی ندارد، اما این ناهم‌خوانی را باید در ناشناختگی تاریخ لیبرالیسم و آرای پدران آن جست. برخلاف تصور متفکران لیبرال مبنی بر اینکه آگاهی فرد واقعیت اجتماعی را می‌سازد، تاریخ‌نگاران اجتماعی، از جمله دومینگو لوسوردو، نشان می‌دهند این واقعیت‌های تاریخی است که به آگاهی فیلسوفان لیبرال شکل داده و ازاین‌رو نمی‌توان لیبرالیسم و اندیشه فیلسوفان آن را منهای واقعیت تاریخی صرفا با مقولات انتزاعی، آرمان‌ها و ارزش‌های آن خواند. این واقعیت‌ها اثبات می‌کنند دموکراسی هرگز از دل لیبرالیسم بیرون نیامده است.

منابع:
الکسی دوتوکویل (۱۳۹۴): دموکراسی در آمریکا، جلد دوم: دفتر اول، ترجمه بزرگ نادرزاده، نشر فرهنگ جاوید
لری سیدنتاپ (۱۳۹۵): اندیشه توکویل، ترجمه حسن کامشاد، نشر فرهنگ جاوید
الکسی دوتوکویل (۱۳۹۶): دموکراسی در آمریکا، جلد دوم: دفتر دوم، ترجمه بزرگ نادرزاد، نشر فرهنگ جاوید

Losurdo, Domenico (20۱1) Liberalism: A Counter_History. tr: Gregory Elliott, Verso.

خوانش آثارشیسیم

از نوام جامسکی، نظریه‌پرداز آمریکایی، بیشتر با عنوان «پدر زبان‌شناسی مدرن» و «فیلسوف آثارشیت» یاد می‌کنند. او نظریات مهمی درباره آثارشیسیم دارد که برخی از آنها را می‌توان در کتاب تقریبا جدید او «در باب آثارشیسیم» (۲۰۱۳) جست که به‌تازگی ترجمه فارسی آن منتشر شده است. جامسکی در کتاب حاضر معانی آثارشیسیم و بنیادهای اندیشه‌ای آثارشیسیتی را بررسی می‌کند و می‌کوشد با نقی مفهوم‌پردازی آثارشیسیم در مقام اندیشه‌ای صلب و به‌بحث‌گذاشتن خطوط تداخل و خلط میان آثارشیسیم و سوسیالیسم، خواننده را با چالش روبه‌رو کند. در نظر او «آثارشیت‌ها از صاحبان قدرت می‌خواهند تا سندی در تأیید داعیه‌هایشان درباره مشروعیت‌شان ارائه کنند.»

او آثارشیسیم را چنین تعریف می‌کند: «آثارشیسیم بیشتر آن گوشه‌های است که افراد بدان رانده شده‌اند تا اینکه انتخابی نداشته باشند؛ آخرین پناهگاه، و البته پناهگاهی زایا و ثمربخش. آثارشیسیم به ما اجازه می‌دهد خارج از قیود سرخ و آبی آنچه عموما در ایالات متحده «سیاست» نامیده می‌شود سیاست‌ورزی کنیم، بی‌آنکه تقدیرمان خیانت‌های ناکزیر یکی از دو حزب اصلی باشد. در آثارشیسیم می‌توانیم ارزش‌هایی را تصدیق کنیم که از سازوکارهای اینترنت آموخته‌ایم: شفافیت و بسنج توده‌ای منابع. در آثارشیسیم می‌توانیم خودمان باشیم. آثارشی لوحه سبید آغاز سده بیست‌ویکم است. نام مختصر فرصتی برای بازآغازی زمان. این مسئله را در هیچ‌کجا به‌روشنی جامعه‌اشتراکی بر خط اتانیموس نمی‌توان دید؛ جامعه‌ای که تنها شرط عضویت در آن، کنارگذاشتن هویت، تاریخ،

چه حد متمایز و اختصاصی شده بود.» (سیدنتاپ: ۱۴) توکویل در جست‌وجوی حکومتی بود که «براساس دعای نوع‌دوستی مسیحی و راهی میان فضیلت مدنی

و آزادی فردی، میان بازار آزاد و رفاه ملی» باشد. (همان: ۱۴۲) با این‌حال، می‌توان زیرکی اندیشه توکویل اشراف‌زاده را در تشخیص سیستم‌هایی دانست که پایه قدرت‌شان را بر نارضایتی طبقاتی بنیان گذاشته بود.» (همان)

واقعیت تاریخی به‌اندیشه فلسفی شکل می‌دهد

اگرچه لیبرالیسم به‌عنوان یک سنت فکری ارزش‌ها و آرمان خود را آزادی، برابری و استقلال فردی می‌داند و با نام‌هایی چون جان لاک، الکسی دو توکویل، آدام اسمیت، مونتسکیو و دیگران شناخته می‌شود، همواره سایه تاریخ اجتماعی‌اش بر گذشته، حال و آینده آن سنگینی کرده است. اگر با عقل سرد واقعیت‌های تاریخی را در کنار لیبرالیسم فلسفی بخوانیم، مثلا در مورد شخصیت توکویل بی می‌بریم که اگرچه او در پی برابری و براندازی اشراف‌سالاری است ولی برای یک نژاد و گروه خاصی از مردم و بنابراین تأکیدش بر برتری نژادی اروپاییان نمی‌تواند صرفا مقوله‌ای سیاسی باشد، بلکه پیامد مستقیم شرایط اقتصادی و اجتماعی است. لیبرالیسم چه به‌عنوان نظامی سیاسی، چه در مقام آیدنولوژی و چه بسان سنتی فکری زاییده شرایطی تاریخی است که اگر تاریخ رسمی حدود آغاز آن را انقلاب صنعتی انگلستان و انقلاب سیاسی فرانسه و آمریکا معرفی می‌کند، اما اوج شکوفایی و گسترش این جریان هم‌زمان بود با رواج برده‌داری و مشارکت فعال پدران لیبرالیسم فلسفی در این پدیده؛ برای مثال جامعه دموکراتیک و آرمانی آمریکای توکویل در قرن هجدهم در حدود ۳۳۰ هزار برده داشت که در قرن نوزدهم به حدود شش میلیون نفر رسید. با انگلستان در اواسط قرن هجدهم ۹۰۰ هزار برده داشت و با بدترین نوع برده‌داری (برده‌داری نژادی) سرآمد بازار خریدوفروش آزادی فرد بود. روش است خریدوفروش فرد و عدم آزادی او با آرمان‌ها و ارزش‌های لیبرالیسم هم‌خوانی ندارد، اما این ناهم‌خوانی را باید در ناشناختگی تاریخ لیبرالیسم و آرای پدران آن جست. برخلاف تصور متفکران لیبرال مبنی بر اینکه آگاهی فرد واقعیت اجتماعی را می‌سازد، تاریخ‌نگاران اجتماعی، از جمله دومینگو لوسوردو، نشان می‌دهند این واقعیت‌های تاریخی است که به آگاهی فیلسوفان لیبرال شکل داده و ازاین‌رو نمی‌توان لیبرالیسم و اندیشه فیلسوفان آن را منهای واقعیت تاریخی صرفا با مقولات انتزاعی، آرمان‌ها و ارزش‌های آن خواند. این واقعیت‌ها اثبات می‌کنند دموکراسی هرگز از دل لیبرالیسم بیرون نیامده است.

منابع:
الکسی دوتوکویل (۱۳۹۴): دموکراسی در آمریکا، جلد دوم: دفتر اول، ترجمه بزرگ نادرزاده، نشر فرهنگ جاوید
لری سیدنتاپ (۱۳۹۵): اندیشه توکویل، ترجمه حسن کامشاد، نشر فرهنگ جاوید
الکسی دوتوکویل (۱۳۹۶): دموکراسی در آمریکا، جلد دوم: دفتر دوم، ترجمه بزرگ نادرزاد، نشر فرهنگ جاوید

بررسی

بازخوانی فلسفه سیاست به‌قلم بزرگ نادرزاد

«کارل اشمیت، حقوق‌دان محافظه‌کار افراطی آلمانی، معتقد بود قول به اینکه دموکراسی کم‌ضرترین رژیم‌هاست در حکم دلیل سنت آوردن است.» زیرا مسئله فلسفه حقیقی این است که بینیم علی‌الاطلاق بهترین رژیم کدام است.» کریستین دلاکامپانی در نخستین پاورقی کتاب خود با عنوان «فلسفه سیاست در جهان معاصر» به این عقیده اشمیت اشاره می‌کند و در مخالفت با آن می‌نویسد: «برای اینکه مسئله «علی‌الاطلاق» معنای عقل‌پذیری داشته باشد باید عالم وجود کامل باشد و انسان‌ها فرشته باشند.» شاید بتوان سؤال اصلی کتاب را در همین پاورقی خلاصه کرد: بررسی دموکراسی به‌عنوان دیرپاترین مسئله فلسفه سیاسی در زمانه ما، یا آنچنانکه دلاکامپانی می‌گوید «مسئله بهترین رژیم ممکن». او به‌جای اینکه بحث خود را با یک تعریف کلی و صوری شروع کند فهرست واقعی و مادی و ملموسی از بحث‌های اصلی فلسفه سیاست در روزگار ما ارائه می‌کند. مقصود از روزگار ما نیز جهان بعد از فروپاشی بلوک شرق است. به گمان او، پس از پایان جنگ سرد این بحث‌ها ذاتا به دور سه مسئله می‌چرخد: تصور کلی و باستانی از «آزادی»، مفهوم بسیار کهنه ولی پیوسته مورد نزاع «عدالت»، و سرانجام فکر جدید ولی هنوز محو و مبهم «نظم جدید بین‌الملل». اصل کتاب در سال ۲۰۰۰ منتشر شده و تحلیل دلاکامپانی پیش از وقایع یازده سپتامبر و ظهور «جنگ علیه ترور» به‌عنوان بارزترین وجه نظم جدید جهان است. باین‌همه، به جهت بررسی مهم‌ترین مسائل فلسفه سیاسی همچون تفکیک قوا، ناسیونالیسم، دولت ملی، فرضیه قرارداد و نظایر آن مباحث کتاب همچنان خواندنی است.

دلاکامپانی با نقد و بررسی نظریه «پایان تاریخ» فوکویاما آغاز می‌کند و می‌کوشد مبانی من‌درآورده و حتی ساده‌لوحانه نظریات او را با سه ایراد بی‌پاسخ توضیح دهد: «اولا هیچ دلیلی در تأیید این گفته نداریم که پیروزی جهانگیر «بهترین رژیم ممکن» (بر فرض صحت) آخرین حادته مهم برای بشریت خواهد بود و به‌هیچ‌وجه نمی‌توان اثبات کرد که پیروزی دموکراسی نشانه «پایان تاریخ» است. ثانیا تحولات وضع بین‌الملل به‌هیچ‌وجه پیش‌بینی‌های فوکویاما را تأیید نمی‌کند و در بیشتر کشورهای موجود دموکراسی آشکارا طرد شده است. و ایراد سوم که فلسفی‌تر است: می‌توان در این اعتقاد که به فرض مطلق رژیمی بهتر از همه رژیم‌ها وجود دارد، یعنی یک رژیم آرمانی که اتفاقا همین دموکراسی «ما» غربی‌هاست شک روا داریم. معقول‌تر این است که بگوییم دموکراسی وکالتی کم‌ضرترین است.

باین‌حال، به اعتقاد دلاکامپانی، زمانی می‌توان به رژیم وکالتی یا پارلمانی صفت دموکراتیک داد که سه اصل در آن حاکم باشد. اصل اول تحمل و مدارا و تساهل اختراع جان لاک است. اصل دوم، تفکیک قوا، نظر مشترک لاک و منتسکیو است. و اصل سوم عدالت میراث ژان ژاک روسو. مطابق این اصل، یک کشور دموکراتیک شایسته این صفت نمی‌تواند به‌اندک یک دموکراسی «صوری» باشد اگرنگنا و به

نابرابری‌های «مادی» بی‌اعتنا بماند.

مباحث کتاب در یازده فصل حول بیرون‌کشیدن ملزومات و تبعات

این سه اصل در نظریه سیاسی مدرن می‌گردد. فصل اول دورنمایی از

کلیت کتاب به دست می‌دهد و بحث‌های انتزاعی درباره حکومت،

دولت، حق و نظایر آن را تاریخی می‌کند. در فصول بعد این اصول

	
فلسفه سیاست در جهان معاصر	
کریستیان دلاکامپانی	
ترجمه: بزرگ نادرزاد	
ناشر: هر مس	
چاپ اول: ۱۳۸۲	

سه‌گانه به آزمون گذاشته می‌شود. مثلا در فصل دوم به این پرداخته می‌شود که آیا اصل مدارا و تحمل را باید در خصوص دشمنان مدارا هم رعایت کرد؟ آیا یک جامعه انتظام‌یافته و قاعده‌مند می‌تواند تحمل کند مخالفان دموکراسی یعنی طرفداران ناسیونالیسم نژادی که امروزه و با قدرت‌گیری راست افراطی ظهور و بروز آنها به‌مراتب بیشتر از زمان انتشار کتاب شده آزارنده و در مجامع عمومی حرم خود را بزنند؟ یا در فصل چهارم این سؤال بررسی می‌شود که آیا کل دموکراسی عبارت است از احترام به قانون؟ و رعایت قانون تضمین‌کننده آزادی است؟ در این فصل نویسنده به این نتیجه می‌رسد هرچند آزادی بی‌تردید یک ارزش است اما تنها ارزش نیست و باید با دیگر ارزش‌ها از جمله عدالت رقابت کند. این همان اصل روسویی نویسنده است که چند فصل از کتاب خود را بدان اختصاص می‌دهد و با بررسی نظریه بداند که جان رالز و منتقدان و موافقان او به بحث‌های متأخر فلسفه سیاسی آمریکا می‌پردازد.

یکی از بحث‌های مهم کتاب فکر تأسیس یک «نظم جدید بین‌الملل» است که هدف آن این است که در صورت بروز تعارضات میان دولت‌ها به‌جای راه‌حل نظامی روش صلح‌آمیز در پیش گرفته شود. اما تأسیس چنین نظامی به معنای زیرسوال‌رفتن این نظریه است که «هیچ حکومتی بالاتر از حاکمیت دولت سراسری ملی وجود ندارد. فصول هشتم و نهم کتاب به همین موضوع می‌پردازد. دولت ملی مدافعان و منتقدان خود را دارد و از جمله انتقاده‌ها به آن تبعات ناشی از آن است. مهم‌ترین این تبعات ناسیونالیسم، بیگانه‌گزینی، نژادپرستی، و یهودستیزی است که در دهه اخیر حتی رشد فزاینده‌ای داشته است. به‌همین‌دلیل نویسنده می‌کوشد به جایی در آن سوی مفهوم دولت ملی برسد. دیدگاه او در این زمینه کانتی است و جهان‌وطن‌اندیش. باین‌همه «نظم جدید بین‌الملل» را همه نپذیرفته‌اند و در کارآمدی آن تردید دارند. منتقدان و مخالفان بر این باورند که «حق مداخله» در امور دیگر کشورها مبنای دقیق و مشخص ندارد و جهان را نمی‌توان به جهان «خوب‌ها» و «بدها» تقسیم کرد و آنگاه خوب‌ها به بهانه متمدن‌کردن جهان دهنده آنها را بمباران کند. همان اتفاقی که بعد از انتشار کتاب در عراق و سپس لبنان و سوریه و برخی مناطق خاورمیانه رخ داد. اگر حاکمیت دولت سراسری ملی دچار رد و تردید و محکومیت شود، به اعتقاد دلاکامپانی، قضیه‌ای را دوباره عَلم خواهد کرد که پس از شکست شورش‌های دانشجویی در ۶۸ در اروپا و آمریکا تا حدی فروموش شد و آن جل دربارۀ «زوال تدریجی دولت» است. او معتقد است ما به تدریج وارد دنیایی می‌شویم فاقد مرکزیت در اعمال قدرت دولتی.

بازخوانی ترجمه «فلسفه سیاست در جهان معاصر» به قلم بزرگ نادرزاد به‌جز آشنایی با نظرات دلاکامپانی یک حسن دیگر هم دارد: لذت‌بردن از فارسی شیوا و سلیس مترجمی که می‌کوشد مباحث فلسفه سیاسی را به بهترین وجه به خواننده انتقال دهد. لذتی که سال‌هاست از مخاطب فارسی‌زبان دریغ شده است. با رفتن مترجمانی چون نادرزاد باید نسل‌هایی صبر کرد که شاید مترجمی به قد و توان او در حوزه متون نظری ظاهر شود، شاید…